هُوالأبهی الاَبهی-ای ياران حقيقی اگر چه مدت مديدی است…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# هُوالأبهی الاَبهی

ای ياران حقيقی[[1]](#footnote-1) اگر چه مدت مديدی است که بآن ياران معنوی مکاتبه و مخاطبه ننمودم ولی هر دم يادتان مونس جان بود و ذکرتان مورث روح و ريحان. حضرت ابن ابهر عليه بهاءاللّه الابهی هميشه در محضر مدح و ستايش مفصّلی از آن ياران حقيقت مينمود پس از قلّت مخاطبات و مکاتبات شکايت ننمائيد. اذيّت اهل بغضاء از جميع طوائف و مخابرات متتابع با جميع اقطار مانع از ارسال نامه در هر دم است. و الّا در عالم قلب و روح ياد ياران را سبب فتوح شمارم و برائحه طيّبه محبة دوستان در اهتزاز و التذاذ آيم و وصيت مينمايم شما را که جميع همّت را در الفت و محبّت و اتحاد و اتفاق مبذول داريد تا هر يک نزد ديگری ساجد گردد و هر يک در محبت ديگری جانفشانی نمايد و حقيقت کامرانی تحقّق يابد.

نيّت را بايد للّه کرد. اگر چنانچه از بعضی دوستان قصوری صادر گردد ديگران بايد بذيل ستر بپوشند و در اکمال نواقص او کوشند نه اين که از او عيب جوئی نمايند و در حقّ او ذلّت و خواری پسندند نظر خطا پوش سبب بصيرت است. و انسان پر هوش ستّار عيوب هر بنده پر معصيت. پرده دری شأن وحوش است نه انسان پر دانش و هوش. احبّا چون گلهای گلشن عنايتند هر چند هر يک رنگ و بوئی خاص خويش دارند ولی وحدت فيض نيسانی و وحدت شعاع آفتاب آسمانی و وحدت ارض بوستانی جامع اين اجناس و انواع است و سبب وحدت و در مبد و معاد. پس نبايد نظر باختلاف احساسات جزئيه نمود. بلکه بايد نظر بوحدت اصليّه کرد. و قل کلّ من عنداللّه گفت و از شرور نفس و هوی نجات يافت.

ای دوستان حق انوار عنايت از هر جهت بر شما دميده. و نسيم فضل از هر طرف بشما وزيده. بحر الطاف بهر شما متموّج است. و نسيم عنايت بر شما متهيّج. آفتاب حقيقت از عالم غيب نور افشان و ابر موهبت بر مزارع در فيضان. و اين عبد در عبوديّت آستان مقدّس همراز و نياز شما ديگر چه خواهيد ديگر چه طلبيد شادی کنيد مسرور باشيد محظوظ باشيد مشعوف باشيد و بشکرانه اين نعمت عظمی قيام نمائيد. ع ع



1. ابهر احبّای الّهی علیهم بهاء اللّه الا بهی [↑](#footnote-ref-1)